سلسلهٔ من یرد الله به خیراً یفقهه فی الدین (۸)
خداوند بهر کس اراده خیر داشته باشد او را در دین آگاهي میدهد

وجوب عمل به سنت رسول الله ﷺ و کفر کسیکه آنرا انکار کند

تألیف:
علامه عبدالعزیز بن عبدالله بن باز

ترجمهٔ أبی عبدالله:
إسحاق بن عبدالله بن محمد الدبیري العوضی

چاپ دوم ۱۴۲۰هـ

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمهٔ مترجم

إنَّ الحمد لله نحمده ونستعينه ونستغفره ونعوذ بالله من شرور أنفسنا ومن سيئات أعمالنا من يهده الله فلا مضل له ومن يضلل فلا هادى له وأشهد أن لا إله إلاَّ الله وحده لا شريك له وأشهد أنَّ محمداً عبده ورسوله صلى الله عليه وعلى آله وأصحابه ومن تبهعم بإحسان إلى يوم الدين أمابعد:

علم حديث و سنت رسول الله ﷺ علمی است که بوسیلهٔ آن أقوال و أفعال و أحوال و کردار پیغمبر شناخته می‌شود .

سنت یعنی چه؟

در لغت: روش خوب و بد سنت گفته می‌شود چنانکه رسول الله ﷺ فرمودند: ((**من سنَّ سنة حسنة فله أجرها وأجر من عمل بها إلى يوم القيامة، ومن سنَّ سنة سيئة فعليه وزرها ووزر من عمل بها إلى يوم القيامة**)) . **[مسلم]** .

کسیکه سنت و روش خوب بنیان نهد أجر و پاداش آن سنت و پاداش کسیکه به آن تا روز قیامت عمل کند به او می‌رسد، و کسیکه سنت و روش بدی بنیان نهد گناه آن کردار و گناه کسی که آن کار بد را انجام می‌دهد تا روز قیامت به بانی آن می‌رسد .

در اصطلاح محدثین: مجموعه گفتار و کردار و تأیید و وصف کیفیت خَلْقی و خُلُقی ثابت شده از پیغمبر ﷺ چه قبل از بعثت و چه بعد از آن، سنت گفته می‌شود .

در اصطلاح أصولیین: قول، فعل، و تقریر یعنی أحوال نقل شده از رسول الله ﷺ سنت نام دارد .

مثال قول: گفتار پیامبر ﷺ در هر مناسبتی و آنچه متعلق است به شرح أحکام چنانکه فرمودند: ((**إنَّما الأعمال بالنیات**)) . **[متفق علیه]** . همانا أجر و پاداش أعمال با نیت است .

مثال أفعال و کردار: آنچه صحابه و یاران پیامبر ﷺ نقل کرده اند از أفعال و کردار او در

عبادات و غیره مانند أدای نماز و بجای آوردن حج و آداب روزه و حُکْم و قضاوت کردن در عقوبتها و مجازات إلهی .

مثال تقریر پیغمبر: اگر از صحابه فعلی صـــادر می‌شد و پیامبر ﷺ در برابر آن سکوت می‌کرد، و یا آنرا تأیید می‌کرد، و یا اینکه آن کار را تعریف و تمجید می‌کرد، این چیز تقریر نام دارد .

بحث در سنت مصطفی ﷺ أمری بسیار با أهمیت است، و سنت یکی از مصادر تشریع إســـــلامی است، خصوصاً وقتی می‌بینیم دشمنان إسلام بـــرای أمت إسلامی توطئه می‌کنند و می‌خواهند در مورد سنت مصطفی ﷺ در دل مسلمانان شك و تردیـــد

ايجاد نمايند، زيرا ما در عصرى هستيم كه نظام عالم مضطرب و آشفته است و از ايجاد راه حلى صـــلح آميز براى جهانيان عاجز مانده است .

و عقيدهٔ ما مسلمانان بر اين است كـــه هـــيچ راهى براى سعادت دنيوى و أخروى وجود نـــدارد بجز رجوع به تعاليم مبين إســـلامِ پاك از تحريف و تبديل و تغيير، چنانكه رسالت محمدى آنرا براى ما از نزد باريتعالى آورده است .

مصادر تشريع إسلامى در بين مسلمانان ظاهر و آشكار و محفوظ و معروف است .

و جاى هيچ شك و ترديدى نيست كه ســـنت مطهر پيامبر إسلام ﷺ دومين مصدر تشريع بعـــد از

کتاب خدا قرآن می‌باشد، زیرا غالباً قرآن شـــامل قواعد عامه و أحکام کلی در تشریع إسلامی است، و سنت مطهر شرح دهنده این قواعـــد و کلیـــات می‌باشد .

این برای کسی واضح و روشن می‌گردد کـــه دسترسی به سنت مطهر رسول اکرم ﷺ را دارد و آنرا در معرض عمل قرار داده است .

در قـــدیم سنت مطهر از طرف فرقه های گمراه و ملحد مورد حمله قرار گرفته، همچنین در عصـــر حاضر نیز مورد هجوم بعضـــی از مستشـــرقین و خاورشناسان متعصب و مبلّغین دین یهود و نصاری و استعمار زده قرار گرفته، آنهم برای ایجاد فتنـــه و

هدم این رکن بزرگ و أساس إسلامی است، و متأسفانه بعضی از کسانیکه مسلمان غرب زده اند به آنان کمك کرده به سنت مطهر طعنه زده و می‌زنند، از جمله این مسلمان نمایان نویسنده ای بنام أبو ریه می‌باشد که در کتاب خود (**أضواء علی السنة المحمدية**) که مصادر و مراجع او بیشتر از آراء معتزله و آراء مستشرقین و از غلات فرقه های گمراه إسلامی است به تشکیك در سنت مطهر رسول اکرم ﷺ مبادرت ورزیده است .

و ما به اینخاطر این کتابچه را که روشنگر أهمیت سنت مطهر رسول اکرم ﷺ می‌باشد برای فارسی زبانان جهان ترجمه کرده تا اینکه بتوانند با

خواندن و مطالعه آن به أهمیت سنت مطهر پـــــی برند، ناگفته نماند که ایـــن کتابچه که: (**وجـــوب العمل بسنة الرسول ﷺ وکفـــر مـــن أنکرهـــا**)، (**وجوب عمل به سنت رســـول الله ﷺ و کفـــر کسیکه آنرا انکار کند**) نام دارد از نوشتهٔ عالم و دانشمند بزرگ إسلامی علامه الشیخ عبدالعزیز بن عبدالله بن باز مفتی عام عربستان سعودی و رئـــیس هیئت کبار علماء و دانشمندان عربستان و رئـــیس دایرهٔ بحثهای علمی و فتوای شرعی میباشد .

أمیدواریم توانسته باشیم بوسیلهٔ ترجمـــهٔ ایـــن کتابچه خـــدمتی به دین مبین إسلام کرده باشیم . قبلاً از خوانندگان محترم از اشتباهات احتمـــالی در

ترجمه و چاپ پوزش می‌طلبیم، زیرا کسی بجز أنبیاء و پیامبران علیهم الصلاة والسلام معصوم نیست .

از خداوند مسئلت داریم که آنرا خاص بـــرای رضایت خود قرار دهد . و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین .

وصلى الله وسلم وبارك على نبينا محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين .

أبو عبدالله
إسحاق بن عبدالله بن محمد دبيري
الرياض ١٤١٥/٦/٤هـ

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين والصلاة والسلام على عبده ورسوله نبينا محمد المرسل رحمة للعالمين وحجة على العباد أجمعين وعلى آله وأصحابه الذين حملوا كتاب ربهم سبحانه وسنَّة نبيهم ﷺ إلى من بعدهم بغاية الأمانة والإتقان والحفظ التام للمعانى والألفاظ رضي الله عنهم وأرضاهم وجعلنا من أتباعهم بإحسان . أما بعد:

علماى إسلام در قديم و جديد اتفاق كرده اند كه أصول و أساس معتبر در إثبات احكام شرعى و بيان حلال و حرام در درجهٔ أول قرآن كتاب خدا است كه: ﴿**لا يأتيه الباطل من بين يديه ولا من خلفه**﴾ . **[فصلت ٤٢]** . [باطل از هيچ سو به آن

راه ندارد، نه پیش از آن کتابی آمده که آنرا باطـــل کند، و نه بعد از آن کتابی می‌آید که آنرا باطـــل کند] .

سپس سنت رسول الله ﷺ که از هوی و هوس صحبت نمی‌کند، بلکه وحی است که خداوند بر او نازل فرموده .

سپس إجماع علماء و دانشمندان أمت إســـلامی است .

وعلماء در أصول دیگر اختلاف کرده اند که از مهمترین آنها قیاس می‌باشد .

و جمهور أهل علم و دانش بر این هســـتند کـــه قیاس حجت است اگر شروط معتبر آن کامل باشد .

و دلیل بر این أصول بسیار است که شمارش نمی‌توان کرد و شهرتش بیش از آن است که ما آنرا در اینجا ذکر کنیم .

أما **أصل أول**: قرآن کتاب خدا است که در بعضی از جاها این کتاب به وجوب إتباع و پیروی و تمسك و چنگ زدن به آن، و توقف کردن در حدود قوانین إلهی دلالت می‌کند .

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿**اتبعوا ما أنزل إليكم من ربكم ولا تتبعوا من دونه أولياء قليلاً ما تذكرون**﴾ . **[الأعراف ٣]** .

[ای رسول خدا به کسانی که قرآن را برای آنها تبلیغ می‌نمایی، بگو: پیروی کنید از آنچه از سوی

پروردگار شما بر شما نازل شده اســـت، و از غـــیر خداوند دوستانی که کارهای آنها در جهت نافرمانی خدا است اطاعت و پیروی نکنیـــد، (مقصـــود از أولیاء اینجا گمراه کنندگان از شیاطین جن و إنس هستند که انسان را بـــه کفـــر و معاصـــی وادار می‌کنند) این دوستان خیلی کم پند پذیر هســـتند، بیشتر دین خدا را رها میکنند و تـــابع غـــیر خـــدا میشوند] .

و همچنین خداوند عزوجل می‌فرماید: ﴿**وهـــذا كتاب أنزلناه مبـــارك فـــاتبعوه واتقـــوا لعلكـــم ترحمون**﴾. **[الأنعام ١٥٥]** .

[و این کتاب مبارك (قـــرآن) را نازل کـــردیم،

پس از آن پیروی کنید و راه تقـــوی را در پـــیش گیرید تا رحمت خداوند شامل حال شما گردد] .

و همچنین میفرماید: ﴿**قد جاءكم من الله نـــور وكتاب مبين يهدي به الله من اتبع رضوانه ســـبل السلام ويخرجهم من الظلمات إلى النـــور بإذنـــه ويهديهم إلى صراط مستقيم**﴾ . [المائدة ١٦] .

[از طرف خداوند بسوی شما نور و روشنائی ـــ یعنی محمد رسول الله ﷺ و کتابی آشکار ـــ آمـــد، کسانیکه در پی خوشنودی خداوند هستند خداونـــد آنها را بوسیلهٔ این کتاب به راه راست میرساند، از تاریکی کفر به نور إیمان بیرون میآورد و بـــه راه راست هدایت و راهنمائی میکند] .

و می‌فرماید: ﴿**إنَّ الذين كفروا بالـــذكر لمـــا جاءهم وإنَّه لكتاب عزيز لا يأتيه الباطل من بـــين يديه ولا من خلفه تنـــزيل من حكـــيم حميـــد**﴾ . **[فصلت ٤١ ــ ٤٢]** .

[همانا مردمی که به قرآن کفر ورزیدنـــد (بـــه حدی بخود بد کرده اند که بدکاری شان در وصف نمی‌گنجد) و قرآن در حقیقت کتـــابی نیرومنـــد و محفوظ است خدا از آن نگهداری می‌کند، کتـــابی است که کلام خدا اســـت، و نگهبـــان آن هـــم خداوند است . باطل از هیچ سو به آن راه نـــدارد، نه جلوتر از آن کتابی آمده که آن را باطل کند، و نه بعد از آن کتابی میآید که آن را باطـــل کنـــد،

خدای یکتا ضامن نگهداری آن است، این قرآن از سوی خدایی نازل شده است کـــه ســتوده و بــا حکمت است، کسانی که طالب عــزت دنیــا و آخرت هستند باید عزت را در پیروی قرآن بجوینــد که خدا آن را عزیز و محفوظ قرار داده است] .

و همچنین خــداوند متعال می‌فرماید: ﴿**وأوحي إلي هذا القرآن لأنذركم به ومن بلغ**﴾ . **[الأنعــام ۱۹]** . [خداوند این قرآن را بسوی من وحی نمود تا بوسیلهٔ آن شما و همهٔ کسانی که این کتاب تــا روز قیامت به آنها می‌رسد بترسانم] .

و همچنین خداوند متعال می‌فرماید: ﴿**هذا بلاغ للناس ولينذروا به**﴾ . **[إبراهيم ۵۲]** .

[این قرآن برای مردم تبلیغ است تا بوسیلهٔ آن انذار شده و بترسند] . و آیات در این معنا زیاد است .

و أحادیث صحیح و ثابت از رسول الله ﷺ وارد شده که به تمسك و چنگ زدن به قرآن و اعتصام و پیروی از آن أمر میفرماید، و دلالت می‌کند که هر کس به آن تمسك و چنگ بزند بر هدایت است، و هر کس آنرا ترك کند بر گمراهی است .

و از دلایل آن خطبهٔ حجة الوداع است که رسول الله ﷺ چنین می‌فرماید: ((**إنّی تارك فیکم ما لن تضلوا إن اعتصمتم به کتاب الله**)) . [**مسلم**].

من بین شما چیزی گذارنده ام که اگر به آن

اعتصام کرده و چنگ بزنید و عمل کنیـــد هرگـــز گمراه نخواهید شد، و آن کتاب خدا یعـــنی قـــرآن است .

و همچنین در صحیح إمام مسلم از زید بن أرقم رضي الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: ((**إنّـــی تارك فیکم الثَّقَلَین أولهما کتاب الله فیـــه الهُـــدی والنور فخذوا بکتاب الله وتمسکوا به**)) .

من بین شما دو چیز سنگین و عظیم به أمانـــت گذارنده ام یکی کتاب خـــدا اســـت، هـــدایت و پیروزی و نور در آن است، آنرا محکم بگیرید و به آن چنگ بزنید .

پس مردم را بسوی کتاب خدا تحریك و تشویق

نمود سپس فرمود: و أهل بيت را ميان شما مى‌گذارم، درباره‌ٔ أهل بيتم از خدا بترسيد، و آنرا دو بار تكرار كرد .

و در لفظ ديگر: قرآن ريسمان خدا است، كسيكه به آن تمسك ورزد و چنگ بزند او بر راه راست هدايت خواهد بود، و كسيكه آنرا ترك كند بر گمراهى است .

إجماع علماء و مؤمنين أعم از صحابه و آنانيكه بعد از آنها آمده اند در مورد وجوب تمسك به كتاب خدا و حُكْم و قضاوت به آن همراه سنت رسول خدا ﷺ كافى است، و نيازى به آوردن دلائل در اين مورد و طولانى كردن مطلب نيست .

أصل دوم: از أصول سه گانه که علمای إسلام بر آن اتفاق و إجماع دارند سنت صحیح رسول الله ﷺ است، و کسانیکه بعد از رسول الله ﷺ آمـــده اند به آن أصل و أساس إیمان آورده و آنرا حجـــت قرار داده اند و به أمت محمدی آموزش داده اند، و کتابهای بسیاری در این باره تألیف کرده اند، و آنرا در کتابهای أصول فقه، و مصطلح حدیث بیان کرده اند .

و دلایل در اینمورد بسیار زیاد است بطوریکـــه نمی‌توان آنها را در حصر و شمار آورد، بعضی از این دلایل در کتاب خداوند، قرآن مجید وارد شده اند و دستور به پیروی و اطاعـــت از رســـول خـــدا ﷺ

می‌دهند و مورد خطاب این دستورات أمت رسول خدا ﷺ در عصر او و کسانی که بعد از او میآیند، قرار می‌گیرد .

زیرا او برای تمامی جهانیان فرستاده شده و آنها مأمورند تا روز قیامت تابع و پیرو او باشند، زیرا او ﷺ مفسر و بیان کننده قــرآن است، و مبهم آن با أقوال و کردار و تقریرات او بیان شده است .

و اگر سنت پیامبر ﷺ نبود مســلمانان تعــداد رکعات نماز، چگونگی آن، و واجبــات نمــاز را نمی‌دانستند، و تفصیل و شــرح أحکــام روزه، و زکات، و حج، و جهاد در راه خدا، و أمــر بــه معروف و نهی از منکر را نمی‌دانســتند، و شــرح

أحکام معاملات از خرید و فروش، و محرمــات از حلال و حرام، و واجبات را در مورد عقوبت ها و مجازاتهای شرعی نمی‌دانستند .

و از جمله آیاتی که در این باره نازل شده آیــهٔ سورهٔ آل عمران اســت کــه خداونــد متعــال می‌فرماید: ﴿**وأطيعوا الله والرسول لعلكم ترحمون**﴾ . **[آل عمران ۱۳۲]** . [از خدا و رسولش اطاعت کنید تا مورد رحمت خداوند قرار گیرید] .

و آیهٔ سورهٔ نساء است که می‌فرماید: ﴿**يا أيها الذين آمنوا أطيعوا الله وأطيعوا الرسول وأولى الأمر منكم فــإن تنــازعتم فى شــيء فــردوه إلى الله والرســول إن كنتم تؤمنون بالله واليــوم الآخــر**

ذلك خير وأحسن تأويلاً﴾ . [النساء ٥٩] .

[ای مؤمنین، از خدا و رسول خدا و فرمانروایان مسلمان اطاعت و پیروی کنید ــ از فرمانروایان اطاعت کنید تا زمانیکه شما را به معصیت وادار نمی‌کنند ــ اگر در باره چیزی با هم اختلاف نمودید برای رفع اختلاف به کتاب خدا قرآن، و به پیغمبر خدا مراجعه کنید، و بعد از رحلت ایشان به کتاب خدا، و به سنت رسول الله مراجعه نمائید تا حل اختلاف از کتاب و سنت پیغمبر بیابید، اگر إیمان به خدا و روز قیامت دارید این مراجعه به کتاب خدا و سنت پیغمبر برای شما از کشمکش بهتر است و سرانجام و عاقبت بهتری دارد] .

و همچنین در سورهٔ نساء باریتعالی می‌فرماید: **﴿من يطع الرسول فقد أطاع الله ومن تولّى فما أرسلناك عليهم حفيظاً﴾ . [النساء ٨٠]** . [کسیکه فرمان رسول الله ﷺ را اطاعت کند فرمان خدا را اطاعت کرده و کسیکه (از فرمان رسول الله ﷺ) روی گرداند، به او اعتناء نکن که ما تو را حافظ و نگهبان ایشان قرار نداده ایم، بلکه تو مبلّغ رسالت هستی و بازگشتشان بسوی ما است] .

چگونه ممکن است طاعت او و بازگردانیدن آنچه مردم در آن اختلاف کرده اند به کتاب خدا و سنت رسول الله ﷺ باشد اگر احتجاج به سنت رسول الله ﷺ نشود؟ یا اینکه تمام سنت محفوظ

نباشد؟ و بنابر اين قول باريتعالى بندگان خود را بر چيزى ارجاع داده كه وجود ندارد! و اين از باطل ترين و پوچ ترين دروغها است، و از بزرگترين كفرها به خدا و سوء ظن به اوست .

باريتعالى در سوره‌ٔ نمل مى‌فرمايد: ﴿**وأنزلنا إليك الذكر لتبين للناس ما نزّل إليهم ولعلهم يتفكرون**﴾ . **[النحل ٤٤]** .

[قرآن را بر تو نازل كرديم تا آنچه را كه بر ايشان نازل شده واضح و آشكار بيان نمايى، (أهل كتاب را از حقيقت آنچه در آن اختلاف دارند آگاه سازى، و أمت را از إيمان صحيح بر خوردار گردانى، و توحيد، و حلال و حرام وارد در قرآن را

به مردم بياموزى) وتا اينكه مردم تفكر و انديشـــه نمايند] .

و همچنين خداوند متعال در اين آيه مى‌فرمايد: **﴿وما أنزلنا عليك الكتاب إلاَّ لتـــبين لهـــم الـــذي اختلفوا فيه وهـــدى ورحمـــة لقـــوم يؤمنـــون﴾ . [النحل ٦٤] .**

[و بر تو كتاب (قرآن) را نازل نكـــرديم مگـــر براى اينكه روشن سازى براى مردم آنچه را كه در بارهٔ آن اختلاف كردند و (براى اينكه قـــــرآن) راهنما و رحمت باشد براى مردميكه دلهايشان آماده ايمان است و إيمان مى‌آورند] .

پس چگونه خداوند بيان قرآن نازل شده را بـــه

رســـول الله ﷺ واگذار می‌کند، اگر سنت وجود نداشته باشد، یا اینکه حجت و ثابت نباشد!

مثال این آیهٔ سورهٔ نور می‌باشد که باریتعـــالی می‌فرماید: ﴿**قل أطيعوا الله وأطيعوا الرسول فـــإن تولوا فإنَّما عليه ما حمّل وعليكم مـــا حمّلـــتم وإن تطيعوه تهتدوا وما علـــى الرســـــول إلاَّ الـــبلاغ المبين**﴾. **[النور ٥٤]** .

[ای رسول خدا بگو: از خدا و رســـول خـــدا اطاعت کنید، اگر به فرمان آنها پشت کردید، و از دستورات روی گردانی نمودید، و راه نفـــاق را در پیش گرفتید، و فرمان پیامبر خدا را اجراء نکردید، بدانید که وظیفهٔ پیامـــبر فقط تبلیغ وحی و رسالت

است، و او وظیفهٔ خود را انجام داد و رسالت خود را تبلیغ نمود، و وظیفهٔ شما است که از او اطاعت کنید و در آن مخلص باشید، اما شما عقب نشینی کردید و وظیفهٔ خود را انجام ندادید، اگر از پیامبر ﷺ فرمانداری می‌کردید به راه راست می‌رسیدید، وظیفهٔ پیامبر ﷺ فقط بیان واضح و آشکار است، اگر شما روی گردانی کنید وی مسئول إیمان نیاوردن شما نیست] .

و همچنین در همان سوره می‌فرماید: ﴿**وأقيموا الصلاة وآتوا الزكاة وأطيعوا الرسول لعلكم ترحمون**﴾ . **[النور ٥٦]** .

[و نماز را بر پا دارید، زیرا با نماز خواندن دلها

راست و مستقيم مى‌شوند و انسان به راه راســـت هدايت مى‌شود، و زكات بدهيد، زيـــرا زكـــات باعث پاكى مال و پاكى دل از بخل مى‌شود، و از رسول خدا اطاعت كنيد، زيرا پيروى از حُكْم خدا و رضايت داشتن به حُكْم و اجراى شريعت خدا در تمام أمور كوچك و بزرگ لازم و ضرورى است، و راهى را كه پيغمبر در زندگى انتخاب كرد برويـــد تا مورد رحمت خدا قرار گيريد] .

و خداوند متعال در سورهٔ أعراف مى‌فرمايـــد: **﴿قل يا أيها الناس إنّى رسول الله إليكم جميعاً الذى له ملك السموات والأرض لا إله إلاَّ هـــو يحـــيى ويميت فآمنوا بالله ورسوله النبى الأمى الذى يـــؤمن**

بالله وكلماته واتبعوه لعلكم تهتدون﴾ . [الأعراف ١٥٨]. [بگو ای رسول خدا به جهانیان همه که: ای مردم من فرستاده خدا بسوی شما هستم، فرستاده خدائی هستم که مالکیت و حفاظت آسمانها و زمین از آنِ اوست، معبودی بحق جز او نیست، زنده می‌کند و می‌میراند، پس إیمان بیاورید بخدای یکتا و پیغمبرش پیامبر أمی که إیمان دارد بخدای یکتا و به آنچه بر او نازل گردید از کلمات و وحی خدا و به آنچه بر بقیهٔ پیغمبران نازل گردید از کتابها و وحی خدا، از او پیروی کنید تا براه راست برسید، و رشد و سعادت خود را بدست آورید] .

و در این آیات دلیل واضحی است که هدایت و

رحمت در إتباع و پیروی از رسول الله ﷺ می‌باشد.

و این چگونه ممکن است با عمل نکردن به سنت او؟ یا اینکه گفته شـــود سنت او صحیح نیست! و یا گفته شود نمی‌توان بر آن سنت اعتماد کرد! .

و باریتعالی در سوره‌ٔ نور می‌فرماید: ﴿**فليحذر الذين يخالفون عن أمره أن تصيبهم فتنة أو يصيبهم عذاب أليم**﴾. **[النور ٦٣]**.

[کسانیکه با أمر رسول خدا مخالفت می‌کننـــد باید بترسند از اینکه مبادا دچار فتنـــه و مصـــیبتی شوند، یا اینکه عذابی دردناك در دنیا یا آخرت بـــه سبب نافرمانی به آنها برسد] .

و خداوند متعال در سوره‌ٔ حشر می‌فرمایـــد:

﴿وما آتاكم الرسول فخذوه وما نهاكم عنه فانتهوا﴾ . [الحشر ۷] .

[(در اینجا یك قاعدهٔ مهم مقرر داشته و آن تبعیت رهبر مسلمین از نصوص شریعت) که هر چه پیامبر به شما داد آنرا بگیرید، و هر چه پیامبر شما را از آن منع کرد از آن دور شوید] .

و آیات در این موضوع و مطلب بسیار است و همهٔ آنها بر وجوب اطاعت رسول الله ﷺ و بر پیروی از آنچه او آورده دلالت می‌کنند، چنانکه قبلاً دلیل بر وجوب إتباع کتاب خدا و تمسك به آن طاعت و أوامر و نواهی ذکر کردیم، و این دو أصل و أساس ملازم و وابسته به هم هستند و از هم جدا

شدنی نیستند، هر کس یکی از آن دو را انکار کند مانند اینکه دیگری را انکار و دروغ دانسته، و این به إجماع أهل علم و إیمان کفر و ضلالت و گمراهی و خروج از دایرهٔ إسلام میباشد .

و أحادیث در وجوب اطاعت رسول خدا ﷺ و اتباع و پیروی از آنچه آورده و تحریم معصیت او بطور متواتر وارد شده است ؛ و آنهم در حق کسیکه در زمان او بوده و بعد از او تا روز قیامت خواهد آمد .

و از جمله این أحادیث، حدیثی است که در صحیحین از أبیهریره رضی الله عنه ثابت است که پیامبر ﷺ فرمودند: ((**من أطاعنی فقد أطاع الله ومن**

عصانی فقد عصی الله)) . **[متفق علیه]** .

کسیکه از من اطاعت کند مانند اینکه از خدا اطاعت کرده، و کسیکه از من نافرمانی کند مانند اینکه خدا را معصیت و نافرمانی کرده است .

و در صحیح بخاری نیز از أبی‌هریره روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: ((**کل أمتی یدخلون الجنّة إلاَّ من أبی قیل یا رسول الله ومن یأبی قال: من أطاعنی دخل الجنة ومن عصانی فقد أبي**)). **[البخاري]** .

همه أمت من داخل بهشت خواهند شد مگر کسیکه خود از دخول آن امتناع ورزد، گفته شد ای رسول الله چه کسی است که از دخول آن

امتناع می‌ورزد؟ فرمود: کسیکه از من اطاعت کند داخل بهشت خواهد شد، و کسیکه از من نافرمانی کند او همان کسی است که خود از دخول آن امتناع ورزیده است .

و أحمد و أبوداود و حاکم با إسناد صحیح از مقدام بن معدی کرب از رسول الله ﷺ روایت می‌کنند که فرمودند: ((**ألا إنّی أوتیت الکتاب ومثله معه، ألا یوشك رجل شبعان علی أریکته یقول علیکم بهذا القرآن فما وجدتم فیه من حلال فأحلوه وما وجدتم من حرام فحرّموه**)) . **[أحمد، أبوداود، حاکم]** .

همانا به من قرآن و مِثل و مانند آن قرآن[1]، داده شده است، همانا بزودی مردی سیر خورده و تکیه زده بر متکا و بالشت خود که بگوید: بر شماســـت که فقط پیرو قـــرآن باشید، و هـــر چـــه در آن از حلال یافتید پس آنرا حلال بدانید، و آنچه در آن از حرام یافتید آنرا حرام بدانید[2] .

و أبوداود و ابن ماجه با سند صحیح از ابن أبی رافع و او از پدرش روایت کرده که رسول الله ﷺ فرمودند: ((**لا ألفين أحدكم متكئاً على أريكته يأتيه الأمر من أمری مما أمرتُ به او نهيتُ عنه فيقول لا ندري، ما وجدنا فی كتاب الله اتبعناه**)) . **[أبوداود**

---

(۱) یعنی حدیث رسول الله ﷺ .

(۲) یعنی حدیث و سنت پیامبر ﷺ را قبول نکنید .

وابن ماجه] . نبینم که یکی از شما بر بالشت خـــود تکیه زده و أمری از أوامری که من به آن أمر کرده ام و یا از آن نهی کرده ام بر او آیـــد و او گویـــد نمی‌دانم! فقط آنچه در کتاب خـــدا پیـــدا کـــردیم قبول خواهیم کرد .

و از حسن بن جـــابر روایت است که گفت: شنیدم از مقدام ابن معدی کرب ﷺ که می‌گوید: **((حرّم رسول الله ﷺ یوم خیبر أشیاء ثم قال یوشك أحدکم أن یکذبني وهو متکئ یحدِّث بحدیثي فیقول بیننا وبینکم کتاب الله فما وجدنا فیه من حـــلال استحللناه، وما وجدنا فیه من حرام حرمناه، ألا إنَّ ما حرّم رسول الله مثل ما حرّم الله)). [ترمذی وابن**

ماجه وحاکم] .

رسول الله ﷺ روز غزوه خیبر چیزهائی را حرام کرده، سپس فرمود: پیدا می‌شود یکی از شما که مرا تکذیب کند در حالیکه بر بالشت خود تکیه زده و از سخنان من صحبت می‌کند، سپس می‌گوید: بین ما و شما کتاب خدا است، هر چه در آن حلال یافتیم، آنرا حلال می‌دانیم، و آنچه در آن حرام یافتیم آنرا حرام می‌دانیم، بدانید که همانا آنچه رسول الله ﷺ حرام کرده مانند آن چیزی است که خدایتعالی آنرا حرام فرموده است .

و أحادیثی بطور متواتر از رسول الله ﷺ ثابت است که در خطبهٔ خود وصیت می‌فرمودند که:

حاضرین به غائبین ابلاغ کنند، و می‌فرمودند: ممکن است ابلاغ شده ای برداشت بیشتر و دقت و توجه بهتری از شنونده داشته باشد .

و از آن أحـــادیث متواتر: حدیثی در صحیحین است که رسول الله ﷺ در حجة الوداع در خطبهٔ خود در روز عرفه و روز عید قربان بـــرای مـــردم چنین فرمودند: أفراد حاضر به أفراد غائب برسانند زیرا ممکن است کسیکه به او ابلاغ شود دقـــت و توجه بهتری از شنونده داشته باشد .

پس اگر سنت او بر شنوندگان و ابلاغ شدگان حجت نبود، و اگر سنت او تا روز قیامـــت بـــاقی نمی‌ماند، به آنها دستور تبلیغ داده نمی‌شد .

پس معلوم می‌شود که دلیل بودن و حجت بودن سنت او همچنان پا بر جا است، بر شنونده ای که از زبان رسول الله ﷺ شنیده، و بر کسیکه برای او بـــا أسانید صحیحه نقل شده است .

و أصحاب و یاران پیامبر ﷺ سنت قولی و فعلـــی او را حفظ کرده اند و همچنین تابعین، سپس تـــابعین آنرا ابلاغ کرده اند به نسل بعدی خود، و همچـــنین علماء و دانشمندان ثقه که گفتار آنان مورد اعتمـــاد می‌باشد نسل بعد از نسل، و قرن بعد از قـــرن نقـــل کرده اند .

و آنرا در کتابهای خود جمع آوری و بیان کرده اند و صحیح و ضعیف آنرا بیان کرده اند .

و برای شناخت صحیح و ضـعیف قـوانین و ضوابط معیـنی بین خود قرار داده اند تا بوسیلهٔ این قوانین صحیح و ضعیف أحادیث شناخته شوند .

و علماء و دانشمندان، کتابهای سـنت أعـم از صحیح بخاری و مسلم و کتابهای دیگر را بخوبی و بطور کامل حفظ کرده اند، همچنانکـه خداونـد کتاب خودش (قرآن) را طبق وعده اش از بازیچـه قرار گرفتن، و الحاد، و کفر کافران، و تحریـف و تغییر یاوه گویان حفظ نمـوده اسـت، چنانکـه می‌فرماید: ﴿**إنّا نحن نزلنا الذكر وإنّا له لحافظون**﴾. **[الحجر ٩]** . [ما قرآن را نازل کردیم و ما حافظ و نگهدارندهٔ آن هستیم] .

و جای هیچ شك و تردیدی نیست که سنت رسول الله ﷺ وحی نازل شده است و خداوند آنرا حفظ فرموده چنانکه کتاب خود قرآن را حفظ فرموده، و باریتعالی برای آن سنت علمائی نقّاد و جداکنندهٔ خوب از بد بر انگیخته که تحریف و تغییر و تبدیل باطل اندیشان و یاوه گویان، تعبیر و تفسیر جاهلان را از آن دور می‌کنند و هر آنچه را که دروغگویان نادانان و ملحدان به آن چسبانیده اند دور می‌کنند، زیرا باریتعالی آنرا تفسیری برای قرآن کتاب خود و بیان آنچه مبهم و مشکل است از احکام قرار داده، و ضمن آن احکام دیگری است که نص آن در قرآن وارد

نشده، مانند تفصیل و شرح احکام دوران شیرخوارگی بچه ها و بعضی از احکام میراث، و تحریم جمع بین زن و عمهٔ او و بین زن و خالهٔ او و غیر از این از احکام که در سنت صحیح رسول الله ﷺ وارد شده و در قرآن از آن ذکری نیست .

ذکر بعضی از آنچه از صحابه و تابعین و أهل علم و دانش در تعظیم سنت رسول الله ﷺ و وجوب عمل به آن وارد شده در صحیحین از أبو هریره رضی الله عنه روایت است که گفت وقتی رسول الله ﷺ دنیا را وداع گفتند بعضی از عرب کافر شدند، أبوبکر رضی الله عنه گفت: به خدا قسم که جنگ خواهم کرد با کسیکه بین نماز و زکات فرق گذارد، پس

عمر بن الخطاب رضي الله عنه به او گفت: چگونه با آنـــان جنگ می‌کنی در حالیکه رســـول الله ﷺ فرمودند: **((أمرت أن أقاتل الناس حتى يقولوا لا إلـــه إلاَّ الله فإذا قالوها عصموا منّـــي دمــاءهم وأمـــوالهم إلاَّ بحقها))** . **[متفق عليه]** .

مأمور شده ام با مردم بجنگم تا اینکه بگویند: لا إله إلاَّ الله: معبود بحقی بجز خدای یکتا نیست، پس اگر آنرا گفتند خون، و جان، و أموال آنها، بجز به حق آن[1] از من حفظ می‌شود .

و أبوبکر صدیق رضي الله عنه گفت آیا زکات از حق آن نیست؟ بـــه خدا قسم اگر گردنبند شتری که بـــه

(۱) یعنی بجز اینکه کارهائی انجام دهند و آن کار موجب شود با آنها بجنگ بپردازم .

رسول الله ﷺ می‌دادند از من منع كنند به خـــاطر منع آن، با آنان جنگ خواهم كرد، عمر رضي الله عنه گفت در نتيجه دانستم كه خداوند سينه و قلب أبوبكر را برای جنگ روشن كرده و دانستم كه او بر حـــق است .

و صحابه رضي الله عنهم رأی و مشورت أبوبكر رضي الله عنه برای قتال أهل ردت را قبول كردند و با او بـــه جنـــگ پرداختند تا اينكه آنان را به إســـلام برگرداننـــد، و كسيكه بر آن اصرار كرد او را كشتند .

و اين قصه برای تعظيم و بزرگداشـــت ســـنت رسول الله ﷺ و وجوب عمل به آن واضح تـــرين دليل است .

مادر بزرگی بسوی أبوبکر آمد و از میراث خود سؤال کرد، أبوبکر رضی الله عنه به او جواب داد که در کتاب خدا حقی برای تو در این باره وارد نشده، و نمی‌دانم که رسول الله ﷺ در این مسأله قضاوتی کرده باشد، و از مردم سؤال خواهم کرد، سپس از صحابه رضی الله عنهم سؤال کرد و بعضی از آنها شهادت دادند که رسول اکرم ﷺ مادر بزرگ را سهم یک ششم داده، پس أبوبکر رضی الله عنه به آن قول قضاوت کرد.

عمر رضی الله عنه عاملان خود را وصیت میکرد که بین مردم با کتاب خدا قضاوت و حکم کنند، و اگر در کتاب خدا آن حکم را نیافتند به سنت رسول

الله ﷺ رجوع كنند، و وقتی در بارهٔ سقط جنين كه در شكم مادر مرده است به سبب تعدی و ظلم به او اشكال پيدا كرد از صحـــابه ﷺ سؤال كـــرد، پس محمد بن مسلمه و المغيرة بـــن شعبه رضـــی الله عنهما نزد او شهادت دادند كه رســـول الله ﷺ در بارهٔ اين به آزاد كردن كنيزی و يا برده ای قضاوت كرده، پس عمر ﷺ به آن حكم قضاوت كرد .

و وقتی عثمان ﷺ حكـــم عـــزاداری زنی كـــه شوهرش فوت كرده را نمی‌دانست كجا بايد عـــزادار باشد فريعة دختر مالك بن سنان خواهر أبو ســـعيد الخدری رضی الله عنهما به او خبر داد كه رسول الله ﷺ به او أمر فرمودند بعد از وفات شوهرش در خانه

اش عزاداری کند تا اینکه حداد و عزای او تمام گردد پس عثمان رضي الله عنه به همان حکم قضاوت کرد .

و همچنین در اجرای حد و عقوبت و مجازات و شلاق زدن بر شراب خواری ولید بن عقبه به سنت پیامبر ﷺ قضاوت کرد .

و وقتی به علی رضي الله عنه خبر رسید که عثمان رضي الله عنه از حج تمتع منع می‌کند، علی رضي الله عنه حج تمتع انجام داد ــ یعنی به حج و عمره با هم لبیك گفت ــ و فرمود: سنت رسول الله ﷺ را به خاطر قول و سخن یك نفر ترك نمی‌کنم .

و وقتی بعضی از مردم بر عبدالله بن عباس رضی الله عنهما در مورد حج تمتع اعتراض

کردند و گفتند أبوبکر و عمر به حج إفراد تشویق کرده و آنرا مقدم می‌دانستند عبدالله بن عباس رضی الله عنهما گفت می‌ترسم که سنگهائی از آسمان بر شما پرتاب شود، می‌گویم رسول الله ﷺ چنین فرمودند، و شما می‌گوئید أبوبکر و عمر رضی الله عنهما چنین گفتند!

پس کسی که به خاطر قول أبوبکر و عمر با سنت مخالفت نماید بیم آن می‌رود که دچار عذاب شود، پس حال کسانیکه به خاطر قول غیر أبوبکر و عمر رضی الله عنهما مجرد به رأی و اجتهاد خود با سنت مخالفت می‌کنند چه خواهد شد؟

و وقتی بعضی از مردم با عبدالله بن عمـــر بـــن الخطاب رضی الله عنهما در مورد بعضی از ســـنتها اختلاف کردند، عبدالله رضي الله عنه گفت: آیا ما مأموریم که تابع عمر باشیم؟

و وقتی مردی به عمران بن حصـــین رضـــی الله عنهما گفت: ما را از کتاب خدا قرآن سخن بگو، و او داشت سخن از سنت و حدیث رسول الله ﷺ می‌آورد عصبانی شد و گفت: سنت بیان کننـــده و تفسیر کننده کتاب خـــداســـت، اگر سنت نبـــود نمی‌دانستیم که نماز ظهر چهار رکعـــت اســـت و مغرب سه رکعت است، و صبح دو رکعت است، و تفصیل و شـــرح احکام زکات و غیر از اینها که

در سنت است نمی‌دانستیم .

و أخبار بسیاری از صحابه ﷺ در تعظیم شـأن سنت و وجوب عمل به آن و تحذیر از مخالفت بـه آن وارد شده است .

و همچنین عبدالله بن عمر رضی الله عنهما وقـتی روایت کردند که رسـول الله ﷺ فرمودنـد: ((**لا تمنعوا إماء الله مساجد الله**)). **[متفق علیه]**. کنیزان خدا[1] را از رفتن به مساجد منع مکنید .

بعضی از پسران او گفتند به خدا قسم که آنان را منع می‌کنیم، پس بر آنها عصبانی شـد و به آنان بدی گفت، و گفت: می‌گـویم رسـول الله ﷺ

(۱) یعنی زنان مسلمان .

فرمودند و می‌گوئید به خدا قسم آنان را منع می‌کنیم!

و وقتی عبدالله بن المغفل المزنی رضی الله عنه (و او از صحابهٔ رسول الله ﷺ می‌باشد) دید یکی از نزدیکانش سنگریزه را بر یکدیگر پرتاب می‌کنند از آن عمل منع کرد و به او گفت رسول الله ﷺ از پرتاب کردن سنگریزه و ریگ نهی فرمودند و فرمودند: این سنگریزه ها چیزی را صید نمی‌کند، و دشمنی را شکست نمیدهد، و او را باز نمی‌دارد، ولیکن دندانی را می‌شکند، و چشمی را بیرون می‌آورد و کور می‌کند، سپس او را در وقت دیگری دید که همان کار را انجام می دهد، گفت

به خدا قسم که تا أبد با تو سـخن نمی‌گـویم، از رسول الله ﷺ تو را با خبر می‌کنم که از آن نهـی فرمودند سپس دوباره آنرا انجام می‌دهی؟

و إمام بیهقی در کتاب خود (سنن الکـبری) از أیوب السختیانی تابعی جلیل روایت می‌کنـد کـه گفت: اگر سنت رسول را برای مردمی بسخـن و گفتار آوردی و او گفت ما را از این واگذار و از قرآن سخن بگو بدان که آن شخص گمراه است .

و إمام أوزاعی رحمت الله علیه گویـد: سـنت حکم کننده و شرح دهنده کتاب خـدا اسـت و مطلق های کتاب را مقید می‌کند و یا به احکامی که در قرآن ذکر نشده می‌پردازد .

چنانكه باريتعالى مى‌فرمايد: ﴿**وأنزلنا إليك الذكر لتبين للناس ما نزّل إليهم ولعلهم يتفكرون**﴾(1) . **[النحل ٤٤]** .

و قبلاً گفتار رسول الله ﷺ را ذكر كرديم كه فرمودند: ((**ألا إنّى أوتيت الكتاب ومثله معه**)) . **[راجع شود به ص ١٧]** .

همانا به من قرآن و مانند آن داده شده است .

و إمام بيهقى از عامر الشعبى رحمت الله عليه روايت مى‌كند كه به بعضى از مردم گفت: ((**إنَّما هلكتم فى حين تركتم الآثار**)) . **[البيهقي]** . براستى شما هلاك شديد و از بين رفتيد وقتى أثر و

(١) در تفسير آن راجع شود به ص ١٢ همين كتاب .

سنت صحیح رسول الله ﷺ را ترك کردید .

و إمام بیهقی رحمه الله از إمام أوزاعی رحمت الله علیه روایت میکند که به بعضی از دوستان و یاران خود گفت: اگر از رسول اکرم ﷺ حدیث و سنتی بتو رسید مبادا به غیر از آن سخن بگـــوئی زیـــرا رسول الله ﷺ ابلاغ کننده ای از جانب باریتعـــالی بود .

و إمام بیهقی از إمام سفیان بن ســـعید الثـــوری رحمه الله روایت می‌کند که گفت: همانا همهٔ علم و دانش علم به سنت و آثار رسول الله ﷺ می‌باشد .

و إمام مالك رحمت الله علیه به طرف قبر رسول الله ﷺ رو کرد و فـــرمود: سخن و گفتار همهٔ ما

قابل رد است مگر سخن و گفتار صاحب این قبر که قابل رد نیست[1] .

و إمام أبوحنیفه رحمه الله گوید: اگر حدیث و سنتی از رسول الله ﷺ آمد آنرا بر سر و چشم می‌گذاریم .

و إمام شافعی رحمه الله گوید: هرگاه از رسول الله ﷺ حدیث صحیحی روایت کردم و آنرا نگرفتم و عمل نکردم شما را گواه می‌دانم که عقلم را از دست داده ام .

و همچنین می‌گوید: اگر سخن و گفتاری گفتم و حدیث رسول الله ﷺ بر خلاف گفتار من بود

(۱) یعنی قول صحیح او واجب القبول است .

پس قول و گفتار مرا به ديوار بزنيد .

و إمام أحمد بن حنبل رحمه الله بـــه بعضـــى از ياران خود گفت: مرا تقليد مكنيد، و إمام مالك را تقليد مكنيد، و إمام شافعى را تقليد مكنيد، و بگيريد از آنجائيكه ما آنـــرا گـــرفتيم، (يعـــنى از أحاديث پيامبر اكرم ﷺ) .

و همچنين مى‌گويد: تعجب كردم از أقوامى كه إسناد و صحت إسناد حـــديث رســـول الله ﷺ را دانستند سپس مى‌روند و رأى سفيان را مى‌گيرند .

و باريتعالى مى‌فرمايد: ﴿**فليحذر الذين يخـــالفون عن أمره أن تصيبهم فتنـــة أو يصـــيبهم عـــذاب**

أليم﴾[1] . **[النور ٦٣]** .

سپس گفت: آیا می‌دانی فتنه چیست، فتنه شرك است، ممکن است اگر بعضی از گفتار رسول الله ﷺ را رد کرده قبول نکند در قلب او گمراهی افکنده شود و هلاك گردد .

و إمام بیهقی از مجاهد بن جبر تابعی جلیل روایت می‌کند در قول خداوند: ﴿**فإن تنازعتم فی شيء فردوه إلى الله والرسول**﴾ . **[النساء ٥٩]** . [اگر در بارهٔ چیزی اختلاف نمودید برای رفع اختلاف به کتاب خدا و سنت رسول الله ﷺ مراجعه کنید تا حل اختلاف از کتاب و سنت بیابید] .

(١) در تفسیر آن راجع شود به ص ١٥ همین کتاب .

گفت: برگردانیدن بسوی خدا یعنی: بسوی کتاب او، و برگردانیدن بسوی رسول یعنی: بسوی سنت اوست .

پس اگر در چیزی اختلاف کردید آنرا بسوی خدا و رسول خدا برگردانید .

و إمام بیهقی از محمد بن شهاب زهری رحمه الله روایت می‌کند که گفت: کسانیکه از علماء و دانشمندان ما رفتند و فوت کردند می گفتند اعتصام و پیروی از سنت رسول الله ﷺ نجات و پیروزی است .

و موفق الدین بن قدامه رحمه الله در کتاب خود: روضة الناظر در بیان أصول احکام چنین می‌گوید:

أصل و أساس دوم از دلایل، سنت رسول الله ﷺ می‌باشد و گفتار رسول الله ﷺ حجت است زیرا از دلایل معجزات بر صدق و راستی اوست، و باریتعالی به طاعت او و تحذیر از مخالفت او أمر فرموده است .

و إمام ابن کثیر رحمه الله در تفسیر این آیه گوید: ﴿**فليحذر الذين يخالفون عن أمره أن تصيبهم فتنة أو يصيبهم عذاب أليم**﴾[1] . يعني: از أوامر رسول الله ﷺ، آنهم طریقه و راه و روش و سنت و شریعت اوست، پس گفتار و کردار بنی آدم با گفتار و کردار رسول الله ﷺ مقایسه و مطابقت

(۱) سورهٔ النور آیهٔ ٦٣، تفسیر آن در ص ١٥ گذشت .

میشود، و آنچه موافق آن بود قبول، و آنچه مخالف آن بود مردود و بر قائل و گوینده او برگردانیـــده میشود، و آن هم هر که خواهد باشد .

چنانکه بخـــاری و مسلم در صحیح خـــــود و دیگران از رسول الله ﷺ روایت کرده انـــد کـــه رســـول الله ﷺ فرمودند: ((**من عمل عملاً لـــيس عليه أمرنا فهو رد**)) . **[متفق عليه]** .

هر کس عمل و کرداری انجام دهد کـــه راه و روش ما بر آن نیست آن عمل و کردار مـــردود و غیر قابل قبول است .

پس بترسد و برحذر باشد کسیکه ظاهراً و باطناً مخالف شریعت رسول الله ﷺ باشد ﴿**أن تصـــيبهم**

فتنة﴾ كه به آنان مصيبتى در قلبهاى شان از كفر و نفاق و بدعت بوجود آيد .

﴿**أو يصيبهم عذاب أليم**﴾ يعنى در دنيا به كُشتن و يا مجازات و يا زندان و غير از اينها مبتلا شوند .

إمام أحمد بن حنبل از عبدالرزاق از معمر از همام ابن منبه روايت كند كه أبوهريره گويد رسول الله ﷺ فرمودند: ((**مَثَلى ومَثَلُكم كمثل رجلٍ اسْتَوْقَدَ ناراً فلمّا أضاءتْ ما حولها جعل الفراشُ و هذِهِ الدوابُّ اللائى يقعْنَ فى النَّار يقَعْنَ فيها وجعلَ يحجُزُهُنَّ ويغْلبْنَهُ فَيقْتَحِمْنَ فيها قال فذلك مثلى ومثلكم أنا آخذُ بحجزكم عن النَّار هلمَّ عن النَّار فتغلبونى وتقتحمون فيها**)) . **[متفق عليه]** .

مَثَلِ من و مَثَلِ شما مانند مردی است که آتشـــی روشن کرده وقتی اطراف خـــــود را نـــورانی و روشن کرد و پروانه ها و حشرات که اطراف آن می‌گردند در آتش می‌أفتند، آن مـــرد جلـــوگیری می‌کند و نمی‌گذارد که پروانه ها و حشـــرات در آتش بیفتند ولی بر او غلبه کرده خود را در آتـــش می‌أندازند، فرمود پس این مَثَلِ من و شماست، مـــن کمربند شما را گرفته از آتش دور می‌کنم، و شما بر من غلبه کرده و هجوم می‌کنید و خود را در آتش می‌أندازید .

و إمام سیوطی رحمه الله در کتاب خود مفتاح

الجنـــة فى الاحتجاج بالسنة[1] چنين گويد:

(بدانيد ــ خدا شما را رحمت كند ــ هر كس حجيت حديث رسول الله ﷺ قولى و فعلـــى بـــا شروط معروف آن در أصول دين را انكار كنـــد ﷺ كافر مى‌باشد و از دايرهٔ إســـلام خارج است و روز قيامت با يهود و نصارى و با فرقه هـــا و طائفه هاى گمراه و كافر محشور خواهد شد) .

و أخبار از صحابه و تابعين و كسانيكه بعـــد از ايشان آمده اند از علماء و دانشـــمندان در تعظـــيم سنت و وجوب عمل به آن و تحذير از مخالفـــت آن بسيار زياد وارد شده است .

(١) كليد بهشت در احتجاج به سنت رسول الله ﷺ .

و أميدوارم آنچه در اينجا ذكر كرديم از آيات و أحاديث و أخبار كافى و قانع كننده باشـــد بـــراى كسيكه حق طلب است، و از باريتعالى براى خود و تمامى مسلمانان توفيق به آنچه خداوند رضايت آنرا دارد مسئلت دارم، و سلامت از أسباب خشـــم و غضب او، و اينكه تمامى ما را به راه مستقيم هدايت فرمايد زيرا او شنونده و نزديك است .

وصلى الله على عبده ورسوله نبينا محمد وعلى آله وأصحابه وأتباعه بإحسان .

عبدالعزيز بن عبدالله بن باز

مفتى عام عربستان سعودى و رئيس كبار علماء

و رئيس دايرهٔ بحثهاى علمى وفتوى شرعي